



karbobala.com

نسخه الکترونیک این کتاب برای نشر فرهنگ کتاب خوانی در اختیار شما قرار گرفته است، لطفا نسبت به حفظ حقوق ناشر کمال توجه را داشته باشید.

برای دریافت نسخه ی چاپی کتاب می توانید با شماره تلفن زیر تماس حاصل فرمایید:

۰۹۳۹۴۱۰۸۱۳۲

با تشکر

گروه فرهنگی- هنری زیتون

www.karbobala.com

info@karbobala.com

زیتون
گروه فرهنگی هنری





تحقیق پیرامون سیاه پوشی در سوگ سید الشهدا علیه السلام

مجموعه کتب شبهه شناسی عاشورا جلد اول

سید علی باروتیان

سراپن کبود

تحقیقی پیرامون سیاہ پوشی در سوک سید الشہداء علیہ السلام

مجموعہ کتب شہہ شناسی عاشورا

جلد اول

سید علی باروتیان

باروتیان، سید علی، ۱۳۶۵
پیراهن کبود / تحقیقی پیرامون سیاه‌پوشی در سوگ
سیدالشهدا علیه السلام / سید علی باروتیان
تهران: حنیف، ۱۳۹۰.
چاپ قبلی: مکیال، ۱۳۸۶،
۶۴ ص.
موضوع: سوگواری‌های اسلامی

۲۹۷/۷۴

BP ۲۶۰ / پ ۲ ب ۹ ۱۳۹۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۳۵-۹-۶ ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۳۵-۹-۶

پیراهن کبود

سید علی باروتیان

ویراستار: رضا بیات

ناشر: حنیف

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

شمارگان: ۵۰۰۰

لیتوگرافی و چاپ: نقش جوهر

تلفن مرکز پخش: ۰۹۳۹۴۱۰۸۱۳۲

قیمت: ۱۸۰۰ تومان

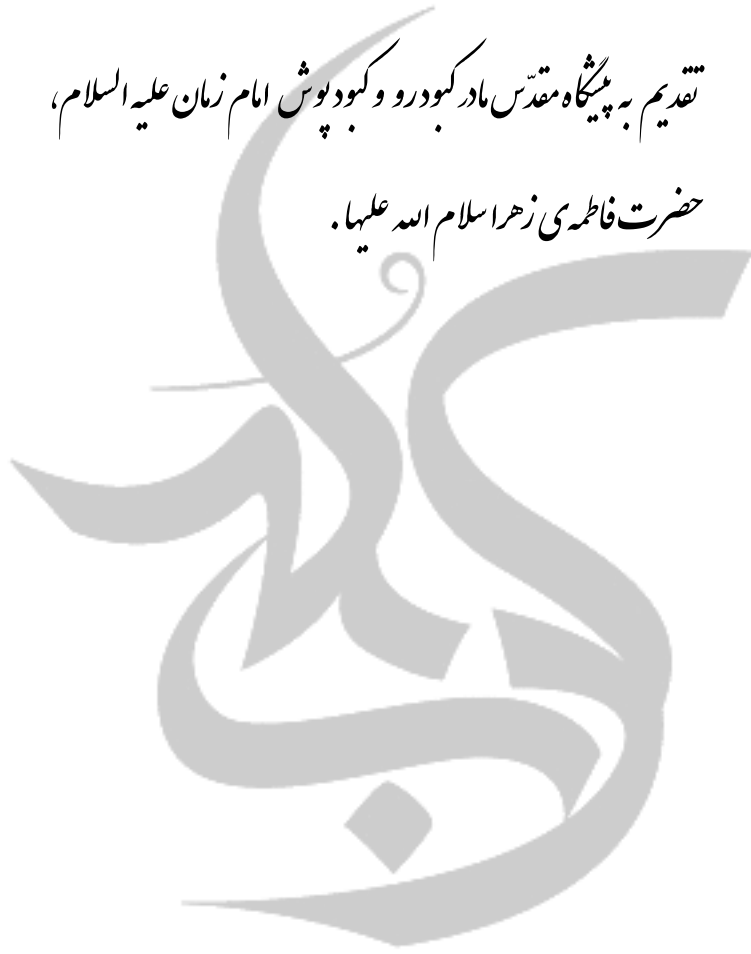
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تقدیم بہ پیشگاہ مقدّس ماد کبودرو و کبودپوش امام زمان علیہ السلام،

حضرت فاطمہ می زہرا سلام اللہ علیہا.





فهرست مطالب:

۱۱ هشدار، به جای مقدمه!
۱۵ سیاه‌پوشی در تاریخ
۱۵ سیاه‌پوشی در شعر و ادب کهن فارسی
۱۷ سیاه‌پوشی در میان اقوام و ملل گوناگون
۱۸ سیاه‌پوشی در تاریخ اسلام
۱۸	۱- در سوگ جناب حمزه، عموی پیامبر ﷺ
۱۹	۲- در سوگ جناب جعفر طیار
۲۰	۳- سیاه‌پوشی پیامبر ﷺ در آستانه‌ی رحلت
۲۲	۴- در سوگ پیامبر رحمت
۲۳	۵- سیاه‌پوشی حسنین <small>علیهما السلام</small> در سوگ امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small>
۲۴	۶- در سوگ امام حسن <small>علیه السلام</small>
۲۵	۷- در سوگ سالار شهیدان، اباعبدالله الحسین <small>علیه السلام</small>
۲۵	۱-۷ سیاه‌پوشی زنان بنی‌هاشم در مدینه و مهیا کردن غذا توسط امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۲۷	۲-۷ سیاه‌پوشی زنان بنی‌هاشم و قریش در شام
۲۹	۳-۷ سیاه‌پوشی امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۲۹	۴-۷ سیاه‌پوشی ام‌سلمه <small>علیها السلام</small> همسر بزرگوار پیامبر ﷺ
۳۱	۵-۷ سیاه‌پوشی شیعه در عصر امام صادق و امام کاظم <small>علیهما السلام</small>
۳۲	۸- در سوگ حضرت موسی بن جعفر <small>علیهما السلام</small>
۳۳	۹- پس از غیبت

- سیاه‌پوشی بنی‌عبّاس، تمسّک به شعار شیعه برای دستیابی به قدرت..... ۳۶
- تفاوت سیاه‌پوشی عبّاسیان با شیعیان..... ۳۸
- ۱- متفاوت بودن لباس سیاه عبّاسیان قبل و بعد از قدرت..... ۳۹
- ۲- تفاوت در شکل سیاه‌پوشی بنی‌عبّاس و شیعیان..... ۴۰
- ۳- سیاه‌پوشی شیعه در سوگ امام هفتم علیه السلام در زمان حکومت عبّاسیان:..... ۴۱
- سیاه‌پوشی عرشیان در سوگ سالار شهیدان علیه السلام..... ۴۵
- رؤیای سکینه فرزند امام حسین علیه السلام..... ۴۷
- غدیر و نهم ربیع‌الاول، روز کندن جامه‌های سیاه..... ۵۲
- نظرات و سیره‌ی علما در باب سیاه‌پوشی در سوگ اهل بیت علیهم السلام..... ۵۶
- فقه‌های در گذشته..... ۵۶
- استفتاء از دفتر مراجع در قید حیات (به ترتیب حروف الفبا)..... ۶۲
- متن استفتاء..... ۶۲
- کلام آخر..... ۶۶
- نسبت‌داشتن مخالفین سیاه‌پوشی با وهابیت..... ۶۶
- دفاع از شعائر شیعه در هجمه‌ی دشمن..... ۶۷

هشدار، به جای مقدمه!

به گواهی تاریخ، عزاداران حسینی همواره با مشقّت‌ها و مصیبت‌های زیادی مواجه می‌شده‌اند. آن‌ها در اغلب بلاد با تهدیدها و تهاجمات شدیدی روبه‌رو بوده‌اند. البته این ناامنی‌ها هنوز هم در برخی کشورها وجود دارد. به عنوان نمونه همه ساله در کشورهای پاکستان، افغانستان، عراق و بعضی از کشورهای عربی، شاهد کشته شدن بسیاری از عزاداران سیدالشهدا علیه السلام به دست تفرقه افکن و هتّابیان هستیم. با این همه در شرایط کنونی، افکار عمومی با این آزار و اذیت مخالف و از آن ناخرسند است.

امروزه دشمنان تشیّع به حمله‌ای خطرناک‌تر از ریختن خون شیعیان دست زده‌اند و آن، از بین بردن ارزش‌های شیعی است. آن‌ها برای از بین بردن این ارزش‌ها به تمامی شعائر شیعه می‌تازند و به بزرگ‌ترین پرچم مظلومیت تشیّع، یعنی عاشورای حسینی نیز، دست‌درازی می‌کنند.

اولین قدم در از بین بردن نهضت حسینی، از بین بردن نمادها، شعارها و حمله‌ی فکری به خیل عظیم عزاداران حسینی است. این دشمنان(و متأسفانه گاهی دوستان جاهل) به اسم خرافه‌زدایی و مبارزه با تحریف و بدعت - که عنوان‌های بسیار فریبنده‌ای است - در صدد محو مصادیق کهن

عزاداری برآمده‌اند؛ در حالی که این شیوه‌ها مورد تأیید همه‌ی علما و فقهای شیعه و حتی اهل تسنن بوده‌اند.

در سال‌های اخیر، محرّم تبدیل شده است به هنگامه‌ی هجوم شبهات. گویی شیطان به هر دری می‌زند تا از گشوده شدن این باب رحمت الهی جلوگیری کند و با استفاده از ابزار مختلف اطلاع‌رسانی از جمله روزنامه‌ها، مجلّات، کتاب‌ها و ... مطالب ناصحیح را به مردم القا کند. گاهی نیز با دروغ‌های بزرگ افکار عمومی را به خود جلب می‌کند.

متأسفانه دوستان جاهل نیز با نقل این سخنان به این نهضت عظیم ضربه می‌زنند. یکی از این شبهات، سعی در بی‌ارزش نشان دادن رابطه‌ی عاطفی با عاشورا و سید الشهداء علیه السلام و بیهوده و بی‌محتوا خواندن مصادیق عزاداری، از جمله گریه و سیه‌پوشی و ... است. در حالی که این اعمال علاوه بر این که وسیله‌ای برای تقرّب به خداوند عزّوجلّ و رسیدن به کمالات انسانی‌اند، خود نیز مانند دیگر اعمال عبادی دارای اجر و ثواب اخروی و حتی برترین و نامتناهی‌ترین ثواب‌ها هستند.

یکی از این اعمال که مقدمه و پایه‌ی دیگر مصادیق عزاداری است؛ پوشیدن «پیراهن کبود» است. متأسفانه در ایّام محرّم سال گذشته شاهد آن بودیم که یکی از خطیبان مشهور، سیاه‌پوشی را بدعت تلقّی کرده و مدّعی شده بود که در سیره‌ی علما هیچ اثری از آن نمی‌بینیم. ما بر آن شدیم که در این مختصر به پیشینه‌ی سیاه‌پوشی و خالی بودنش از هر گونه شبهه بپردازیم.

پیراهن کبود / ۱۳

در تدوین این اثر، از کتاب «سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور»، نوشته‌ی آقای علی ابوالحسنی (منذر) استفاده‌ی شایانی شده است.
باشد که مورد قبول مادر کبودرو و کبودپوش امام زمان علیه السلام حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام قرار گیرد.

أمیری حسین و نعم الأمیر
سید علی باروتیان
۱۴۲۸ هجری قمری





سیاه‌پوشی در تاریخ

رنگ سیاه همیشه در تاریخ، نماد عزاداری در سوگ عزیزان و ابراز غم و اندوه بوده است. اکنون نیز بسیاری از اقوام در عزای عزیزان خود جامه‌ی سیاه به تن می‌کنند، مجلس عزا برپا کرده، در و دیوار را با رنگ سیاه می‌پوشانند. این رسم نه تنها در عرف امروز جامعه نهادینه شده است، بلکه ریشه‌ای به قدمت بخشی از تاریخ بشریت دارد.

برای نشان دادن این امر به نمونه‌هایی چند از شعر و ادب کهن فارسی اشاره می‌کنیم و در ادامه مثال‌هایی را از سیاه‌پوشی در سوگ بزرگان اسلام حکایت خواهیم کرد.

سیاه‌پوشی در شعر و ادب کهن فارسی

دیوان شاعران پارسی‌گوی، مملوّ از اسامی است که در آن از رنگ سیاه به عنوان مصداق و نشانه‌ی عزا یاد شده است:
فرخی می‌گوید:

بسا جنگ‌جویان که پیش تو آمد سیه کرده در سوگ او جامه مادر
اسدی طوسی چنین می‌سراید:

سَلَبُ^۱ هرچه بُدشان کبود و سیاه فکنندند یکسر ز شادی
شاه

نظامی گنجوی گوید:

نرفت از حرمتش بر تخت ماهی نپوشید از سَلَب‌ها جز سیاهی

فخرالدین اسعد گرگانی نیز سیاهی را نشان سوگواری می‌داند:

که زرد است این، سزای نابکاران کبود است این؛ سزای سوگواران
کبودش جامه همچون سوگواران رُخانش لعل همچون لاله-

زاران

مولوی گوید:

گر نبودی او کبود از تعزیت کی فسردی همچو یخ این ناحیت

و نیز:

زاغ پوشیده سیه چون نوحه‌گر در گلستان نوحه کرده
بر خضر

خاقانی شروانی خود را در سوگ یکی از علمای عصرش سیاه‌پوش
می‌داند و می‌سراید:

در سوگ آفتاب وفا، زین پس ابروار پوشم سیاه و بانگ معزاً بر آورم
حکیم فردوسی می‌گوید:

همه جامه کرده کبود و سیاه همه، خاک بر سر به جای کلاه

فردوسی در بخش‌های متعدد دیگری از شاهنامه نیز به این رسم اشاره می‌کند. از یاد نبریم محققان نیز بر این عقیده‌اند که او در گزارش وقایع از خود چیزی نیفزوده و تنها آنچه را که از متون کهن تاریخی یافته، با پرداختی هنری - حماسی به رشته‌ی نظم کشیده است؛^۱ این بدین معناست که در ایران باستان هم سیاه‌پوشی نشانه‌ی سوگ بوده است. در این رابطه می‌توان از دیگر شاعران پارسی‌گوی نیز اشعار بسیاری یافت که خارج از حوصله‌ی این نوشته است.

سیاه‌پوشی در میان اقوام و ملل گوناگون

سیاه‌پوشی نه تنها در تمدن و فرهنگ ادب پارسی نماد عزاست، بلکه در میان سایر ملل نیز به این رسم اشاره شده است. به عنوان مثال در اساطیر یونان باستان (منظومه ایلید)^۲ و یا رومانیایی‌ها^۳ و در سنت یهودیان

-
- ۱- رجوع شود به کتاب «خدنگ سخن از کمان خرد؛ بحثی در باب حکیم فردوسی و جایگاه تاریخی شاهنامه‌ی او»، علی ابوالحسنی.
 - ۲- در منظومه‌ی ایلید آمده است: زمانی که تئیس از قتل پاتروکلوس به دست هکتور شدیداً اندوهگین شد، به نشانه‌ی عزا، سیاه‌ترین جامه‌هایش را پوشید... . دائرة المعارف؛ قاموس علم لکل فنّ و مطلب، پطرس بستانی، ۶، ۷۱۰-۷۱۲.
 - ۳- رومانیایی‌ها در ایام عزا از خانه بیرون نمی‌آمدند و از لذات و ملاحی دوری می‌جستند و سیاه می‌پوشیدند...؛ همان.

(عبرانی‌ها)^۱ و بیش از همه در عرب می‌توان دید که در ماتم و عزای عزیزان از دست رفته و برای نمایان کردن عزای خویش، همواره از رنگ سیاه استفاده می‌کرده‌اند.^۲ به خصوص در فرهنگ عرب پس از اسلام می‌توان به نمونه‌های بسیار زیادی از سنت سیاه‌پوشی استناد کرد که اغلب اشاره به عزای سید الشهداء علیه‌السلام دارد.

سیاه‌پوشی در تاریخ اسلام

علاوه بر متون ادبی که در قسمت قبلی ذکر شد، با هم به بخش‌هایی از تاریخ اسلام و سنت سیاه‌پوشی در سوگ بزرگان اسلام نگاه می‌کنیم:

۱- در سوگ جناب حمزه، عموی پیامبر ﷺ:

جنگ احد یکی از جنگ‌های مهم عصر پیامبر ﷺ بود. در این جنگ ۷۰ کشته از سپاه اسلام بر جای ماند که از زمره‌ی این شهدا، جناب حمزه، عموی پیامبر ﷺ می‌باشند. پس از شهادت، بدن ایشان به دست هند، همسر ابوسفیان، به فجیع‌ترین وضع قطعه‌قطعه و مُثله شد و این شهادت دردناک بر جامعه‌ی اسلامی، به خصوص بر پیامبر بزرگوار ﷺ

۱- در میان عبرانی‌ها رسم آن بود که در عزای بستگان خویش... و لباسشان در این گونه مواقع سیاه رنگ یا نزدیک به آن بود؛ همان.

۲- سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور، علی ابو الحسنی منذر، ۷۳.

بسیار گران آمد.

در چنین فضای سوزاگینی بود که زینب، دختر امّ سلمه^۱، در عزای جناب حمزه سه روز گریست و سیاه پوشید.^۲
آن گونه که از اشعار و مرثیاتی وقت برمی آید، زنان مسلمانان نیز در عزای جناب حمزه و دیگر شهدای اُحد اشک ریختند، گیسو پریشان کردند و جامه‌ی سیاه پوشیدند.^۳

۲- در سوگ جناب جعفر طیار:

جعفر بن ابی طالب و حمزه سیدالشهدا علیهما السلام دو تن از شاخص‌ترین چهره‌های بنی‌هاشم در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که پس از جنگ خیبر به هنگام بازگشت جعفر از هجرت حبشه فرمودند:
«نمی‌دانم از بازگشت جعفر به مدینه خوشحال‌تر باشم یا از فتح خیبر؟»^۴

۱- وی ربیبه و فرزند خوانده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز محسوب می‌شد.

۲- الفائق فی غریب الحدیث، جار الله زحشیری، تحقیق علی محمد سجادی و محمد ابوالفضل ابراهیم، ۲، ۱۹۲؛ النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ابن اثیر، تحقیق محمود محمد طنناخی و طاهر احمد زاوی، ۲، ۳۸۷؛ لسان العرب، ابن منظور، ذیل عنوان «سلب»، ۶، ۳۱۸.

۳- سیره‌ی ابن هشام، ۳، ۱۵۹-۱۶۰؛ البداية و النهایة، ابن کنیر، ۴، ۵۹.

۴- بحار الأنوار، ۲۲، ۲۷۵؛ اسدالغابه، ابن اثیر، ۱، ۲۸۷؛ شرح نهج البلاغه، ابن

ابی الحدی، ۴، ۱۲۸.

اهمیت این شخصیت و علاقه پیامبر ﷺ نسبت به او را نشان می‌دهد. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز با اشاره به غصب حق خویش در مورد این دو بزرگوار می‌فرماید:

«اگر حمزه و جعفر زنده بودند، این چنین حقم به تاراج نمی‌رفت؛ ولی افسوس که آن دو رفتند...!»^۱

به شهادت تاریخ، پیامبر ﷺ در شهادت جانگداز جعفر در جنگ موته بسیار اندوهگین شدند و در فراق وی و یار هم‌رزم و شهیدش، زیدبن حارثه بسیار گریستند؛^۲ همچنین ایشان به خانه‌ی جعفر رفته و دست نوازش بر سر کودکان وی کشیدند.^۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ضمن دلجویی از اسماء بنت عمیس، همسر جعفر، به او فرمودند:

«سه روز لباس سیاه ماتم بپوش و پس از آن، هر چه خواهی کن.»^۴ (از این جمله برمی‌آید که پس از سه روز، اگر می‌خواهی بیرون آر و اگر می‌خواهی باز هم بپوش).

۳- سیاه‌پوشی پیامبر ﷺ در آستانه‌ی رحلت:

۱- بحار الأنوار ۱۴/۳۰.

۲- وسائل الشیعة ۲/۹۲۲.

۳- همان ۲/۸۸۸-۸۹۰.

۴- مسند احمد بن حنبل، ۵۹۱، ۷۰، حدیث ۲۶۹۲۲؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ۲۴، ۱۳۹.

سیره‌ی پیامبر اسلام ﷺ همچون دیگر انبیا^۱ پوشیدن لباس سپید بوده است. آن حضرت بهترین لباس‌ها را لباس سپید می‌دانستند و تأکید می‌نمودند: لباس سپید بپوشید که آن پاک‌تر و پاکیزه‌تر است.^۲ اساساً پوشیدن لباس سیاه در زندگی پیامبر ﷺ معمول نبوده. با این اوصاف، این نکته جالب توجه است:

طبق تاریخ شیعه و سنی لباس^۳ پیامبر و حتی روانداز^۴ ایشان در آستانه‌ی رحلت و در آن روزهای سرنوشت‌ساز، سیاه بوده است. اگر تأملی عمیق در حوادث حسّاس و سرنوشت‌ساز چندین روز آخر زندگی پیامبر ﷺ داشته باشیم و به پیشامدها و فضای اندوهگین آن برهه نگاه کنیم، حزن پیامبر ﷺ و علّت سیاه‌پوشی ایشان را درمی‌یابیم. به عنوان مثال: در روایتی که حکایتگر این دوران است می‌خوانیم که پیامبر ﷺ در بستر بیماری اشک می‌ریزند؛ به گونه‌ای که محاسنشان به اشک دیدگان تر می‌شود. چون از ایشان می‌پرسند: چه چیز شما را به گریه انداخته است؟ می‌فرمایند:

«اشک می‌ریزم برای فرزندانم و آن‌چه از آزار امّتم پس از من به آنان خواهد رسید؛ گویا می‌بینم دخترم

۱- وسائل الشیعة، ابواب لباس المصلی، ۳، ۳۵۵، حدیث ۲.

۲- همان، ۳، ۳۵۵-۳۵۶، حدیث ۳، ۱، ۵.

۳- بصائر الدرجات «الکبری» فی فضائل آل محمد ﷺ، ۳۰۴ - ۳۰۵؛

بحار الأنوار، ۲۲، ۴۶۴-۴۶۵ به نقل از بصائر.

۴- سیره‌ی ابن‌هشام، ۴، ۳۱۶؛ انساب الاشراف، بلاذری، ۱، ۵۵۰.

فاطمه علیها السلام پس از من مورد ستم قرار گرفته است و پیوسته فریاد می‌زند: «یا اَبَته!» ؛ ولی هیچ‌یک از افراد امتم او را یاری نمی‌کنند...»^۱

درنگی در این سخنان و نگاه کردن به مصائبی که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر خاندان ایشان وارد آمد، ناگزیر ما را به این نتیجه می‌رساند که: نخستین شخصیتی که در سوگ مصائب آل‌عبا جامه‌ی سیاه پوشیده است، خود پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند.

۴- در سوگ پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم:

حسّان بن ثابت انصاری (شاعر مشهور عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) در دیوان خود قصاید غراً و پر شوری در سوگ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دارد. در یکی از این اشعار خطاب به پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم می‌گوید:

«ای بهترین خلق، (با تو) من در رودخانه‌ای وسیع و جوشان بودم و (اکنون) همچون انسانی تنها و تشنه شده‌ام.

زنان تو، خانه‌ها را به حال خود رها کرده، میخی بر دیوار نکوبیدند (کنایه از اینکه دیگر به امور معمول خانه داری نپرداخته‌اند).

آنان همچون زنان راهبه و کشیش‌های تارک دنیا،

۱- بحار الأنوار، ۴۳، ۱۵۶؛ المنتخب، طریحی، ۳۳، ۱-۳۴.

جامه‌های زبر و مویین به رنگ سیاه پوشیدند...»^۱

تشبیه زنان پیامبر ﷺ به راهبگان در پوشیدن لباس اندوه، شاهدی بر سیاه‌پوشی در سوگ رسول خدا ﷺ است.

علاوه بر زنان پیامبر ﷺ که در بین آنها شخصیت بزرگی چون ام‌سلمه رضی الله عنها وجود داشت، به روایتی در باب سوز و گداز شدید حضرت زهرا رضی الله عنها و بستن دستار سیاه^۲ پس از فقدان رسول خدا ﷺ برمی‌خوریم.^۳

ابن شهر آشوب، عالم بزرگ شیعی، در کتاب مناقب خویش می‌نویسد:

و رُويَ أَنَّهَا مَا زَالَتْ بَعْدَ أَبِيهَا مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ، نَاحِلَةً
الْجِسْمِ، مُنْهَدَّةَ الرُّكْنِ، بَاكِئَةَ الْعَيْنِ مُحْتَرِقَةَ الْقَلْبِ...^۴

روایت شده حضرت زهرا رضی الله عنها، پس از مرگ پدرش پیوسته دستار سیاه (عصابه) بر سر، بیمار و نزار، شکسته قامت، گریان و سوخته دل بود....

۵- سیاه‌پوشی حسنین رضی الله عنهما در سوگ امیر مؤمنان رضی الله عنه :

۱- دیوان حسّان بن ثابت، شرح و مقدمه عبدالله مهتا، ۶۷.

۲- هم اینک نیز در میان زنان عرب، بستن دستار سیاه در هنگام عزا امری رایج

است.

۳- بحار الأنوار، ۴۳، ۱۸۱؛ مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهر آشوب، ۳، ۲۶۲.

۴- همان.

طبق نقل ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه^۱ پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام زمانی که امام حسن علیه السلام به سوی مردم بیرون آمد، جامه‌های سیاه پوشیده بود...

ابن ابی‌الدنیا (مورخ و محدث قرن سوم) ضمن تأیید روایت فوق در کتاب «مقتل الامام امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب» می‌نویسد:

حسن بن علی علیه السلام پس از درگذشت پدرش، علی علیه السلام بر فراز منبر کوفه در جامه‌های سیاه برای ما خطبه خواند.^۲

مرحوم آیت الله شیخ عبدالله مامقانی نیز از اصبح بن نباته نقل کرده است که می‌گوید:

پس از شهادت مولا، وارد مسجد کوفه شدم و دیدم حسن و حسین علیهما السلام سیاه پوشیده‌اند.^۳

۶- در سوگ امام حسن علیه السلام:

برخی از علمای اهل تسنن همانند ابن عساکر در بخش مربوط به شرح حال امام مجتبی علیه السلام در تاریخ خود^۴ و حاکم نیشابوری در مستدرک^۱ از

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ۲۲، ۱۶.

۲- مقتل الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب، ابن ابی‌الدنیا، ۹۵.

۳- رساله مجمع الدرر فی مسائل اثنتی عشر، کلیشه‌ی رساله مذبور در کتاب سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور آمده است.

۴- ترجمه الامام الحسن علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ۲۲۸.

عایشه بنت سعد روایت کرده‌اند:

حَدَّثَتْ نِسَاءُ بَنِي هَاشِمٍ عَلِيَّ حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.^۲

زنان بنی‌هاشم در سوگ امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ جامه‌های سیاه پوشیدند.

۷- در سوگ سالار شهیدان، اباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ:

همان‌گونه که مصیبت شهادت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ اعظم مصایب آل‌الله است،^۳ عزاداری و سیاه‌پوشی در سوگ آن حضرت نیز در تاریخ از برجستگی خاصی برخوردار است.

با سیری در تاریخ به شواهد مکرر سیاه‌پوشی در سوگ امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ برمی‌خوریم. از آن جمله سیاه‌پوشی زنان بنی‌هاشم، اهل بیت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ، جناب ام سلمه عَلَيْهَا السَّلَامُ، حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ، شیعیان و در رأس همه‌ی آن بزرگواران، امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

۱-۷ سیاه‌پوشی زنان بنی‌هاشم در مدینه و مهیا کردن غذا توسط امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۱- المستدرک علی الصحیحین، للحاکم النیشابوری؛ بذیلة التلخیص، للحافظ الذهبی، ۳، ۱۷۳.

۲- یا: حدّ نساء الحسن بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ سنة: زنان امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ در سوگ ای‌شان یک سال سیاه پوشیدند.

۳- علل الشرایع، شیخ صدوق، ۱، ۲۲۵.

یکی از کتب مشهور و معتبر نزد شیعه، کتاب «المحاسن» نوشته‌ی ابو جعفر احمد برقی^۱ است که در عصر ائمه علیهم‌السلام تدوین شده است. مرحوم ثقة الاسلام کلینی در فروع کافی^۲، علامه مجلسی در بحار الأنوار^۳ و شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه^۴ به نقل از محاسن برقی^۵ آورده‌اند:

لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام لَيْسَ نِسَاءُ بَنِي هَاشِمٍ
السَّوَادَ وَالْمُسُوحَ وَكُنَّ لَا يَشْتَكِينَ مِنْ حَرٍّ وَلَا بَرْدٍ وَ
كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَعْمَلُ لَهُنَّ الطَّعَامَ لِلْمَأْتَمِ.

زمانی که امام حسین بن علی علیه‌السلام به شهادت رسید، زنان بنی‌هاشم لباس‌های سیاه و جامه‌های خشن مویین (مسوح) پوشیدند و از گرما و سرما شکایت نمی‌کردند، علی بن حسین علیه‌السلام به علت (اشتغال آنان به) مراسم عزاداری، برایشان غذا درست می‌کرد.^۶

۱- ایشان از اصحاب امام جواد و امام هادی علیه‌السلام هستند که علمای بزرگ شیعه هم چون کلینی، صدوق، طوسی، مجلسی، بحر العلوم و ... به وثاقت و عظمت شخصیت وی تصریح کرده‌اند.

۲- الفروع من الکافی، ۱۰، ۲۴۰.

۳- بحار الأنوار، ۴۵، ۱۸۸.

۴- وسائل الشیعة، ۲، ۸۹۰.

۵- المحاسن، برقی، ۴۲۰، حدیث ۱۹۵.

۶- طبق نظر علما این روایت از حیث سند «حسنه» است و رجال آن همگی

این روایت یکی از روشن‌ترین و معتبرترین روایات در باب سیاه‌پوشی اهل بیت علیهم‌السلام است. یکی از مهم‌ترین نکات این روایت این است که کسانی که عمل سیاه‌پوشی در سوگ امام حسین علیه‌السلام را انجام داده‌اند، زنان بنی هاشم، یعنی خواهران، همسران، دختران سید الشهداء علیهم‌السلام و دیگر بستگان آن حضرت همچون ام‌سلمه از همسران نیکوکار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده‌اند. به علاوه، این عمل در برابر چشم امام معصوم علیه‌السلام صورت گرفته است. امام علیه‌السلام نیز منعی فرموده‌اند و به امضای عملی ایشان رسیده است. هم‌چنین بزرگوارانی مانند حضرت زینب علیها‌السلام در بین این گروه بوده‌اند که امام سجّاد علیه‌السلام به وی فرمودند:

«أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفَهِّمَةٍ»^۱

حتی ائمه علیهم‌السلام در برخی موارد برای اثبات مشروعیت شعائر حسینی، به عمل فاطمیات استناد و استشهاد فرموده‌اند.^۲

۲-۷ سیاه‌پوشی زنان بنی هاشم و قریش در شام:

مورد وثوق و اطمینانند. رک: سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور، ۲۲۶، نظر آی‌ت‌الله صافی گلپای‌گانی.

۱- نفس المهموم، حاج شیخ عباس قمی، ۲۸۵.

۲- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ۸، ۳۲۵؛ منتهی‌الآمال، حاج شیخ عباس

قمی، ج اول، پایان قسمت شرح حال امام حسین علیه‌السلام؛ بحار الأنوار، ۴۵، ۲۰۶-۲۰۷.

علامه مجلسی^۱ و محدث نوری^۲ ضمن نقل خوابی عجیب از همسر یزید، نوشته‌اند که:

«فردای آن شب زمانی که صبح شد، یزید اسرای اهل بیت علیهم‌السلام را خواست و به آنان گفت: چه چیز را بیشتر دوست دارید؟... آنان گفتند: ما پیش از هر چیز دوست داریم بر حسین علیه‌السلام گریه و زاری کنیم. گفت: هر چه می‌خواهید انجام دهید. سپس حجره‌ها و خانه‌هایی را در دمشق برای ایشان مهیا ساخت و زنی از زنان بنی‌هاشم و طایفه‌ی قریش نماند جز آنکه بر حسین علیه‌السلام لباس سیاه پوشید و...»

در مقتل ابی‌مخنف که از کتاب‌های مشهور در باب حادثه‌ی کربلاست نیز آمده است:

«وقتی نعمان بن بشیر خبر شهادت سیدالشهدا علیه‌السلام و رسیدن کاروان اسرا را به گوش مردم مدینه رسانید، زنی در مدینه باقی نماند جز آن که از خانه بیرون آمد و مردمان سیاه پوشیدند و فریاد گریه و ناله سر دادند...»^۳

۱- بحارالانوار، ۴۵، ۱۹۶ به نقل از المنتخب، طری‌حی، ۲، ۲۸۴.

۲- مستدرک الوسائل، محدث نوری، ۳، ۳۲۷ به نقل از المنتخب طری‌حی، ۲، ۲۸۴.

۳- مقتل ابی‌مخنف، ۲۲۲-۲۲۳.

۳-۷ سیاه پوشی امام سجّاد علیه السلام:

پس از خطبه‌ی تاریخی امام سجّاد علیه السلام در مسجد دمشق، منهال برخاست و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، چگونه صبح کردی؟ امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

«چگونه می‌باشد حال کسی که پدرش به قتل رسیده و یارانش اندکند و اهل و عیالش اسیر و بدون پوشش و حجاب و سرپرست و حامی هستند؟ مرا جز اسیری خوار که یاور و سرپرست خویش را از دست داده نمی‌بینی. همانا من و اهل بیتم لباس عزا پوشیده‌ایم و لباس نو بر ما روا نیست...»^۱

روایت دیگری نیز بر سیاه پوشی امام سجّاد علیه السلام اشاره دارد که بعید نیست جنبه‌ی اظهار حزن و اندوه در عزای سیدالشهدا علیه السلام داشته باشد.^۲

۴-۷ سیاه پوشی امّ سلمه علیها السلام همسر بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

امّ سلمه علیها السلام از همسران پاکدل و وفادار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که زفاف امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام در حجره او رخ داد.^۳ آیه‌ی تطهیر که در شأن اصحاب کساء و اهل بیت علیهم السلام است نیز در منزل وی نازل شده

۱- نسخ التواریخ، زندگانی امام سجّاد علیه السلام، ۱، ۲۹۳؛ مقتل ابی‌مخنف، ۲۱۷.

۲- الفروع من الکافی، ۶، ۴۴۹؛ دعائم الاسلام، ۲، ۱۶۱؛ وسائل الشیعة، ۳، ۳۶۱؛

مستدرک الوسائل، ۳، ۲۱۰.

۳- بیت الاحزان، حاج شیخ عبّاس قمی، ۳۴.

است. در فضائل ایشان همین بس که پیامبر اسلام ﷺ در آن ماجرا او را در مسیر خیر و صلاح شمردند.^۱

ایشان گیرنده‌ی ودایع امامت از امیرمؤمنان علیه السلام و انتقال‌دهنده‌ی آن‌ها به امام حسن علیه السلام بودند^۲ و همین نقش را در تحویل ودایع امام حسین علیه السلام به امام سجاد علیه السلام بر عهده داشت.^۳

این همسر باوفای پیامبر در بلوای سقیفه به جرم دفاع از حقوق اهل بیت علیهم السلام و تصریح به فضایل حضرت فاطمه علیها السلام یک سال از حقوق بیت‌المال محروم گشت.^۴ ام‌سلمه به قدری به اهل بیت علیهم السلام نزدیک بود که شخصیتی چون امام حسین علیه السلام، او را مادر خویش می‌نامید.^۵ و در مقابل، وی نیز آن حضرت را «فرزندم حسین» خطاب می‌کرد.^۶ به گزارش تاریخ، زمانی که خبر شهادت سیدالشهدا علیه السلام به ام‌سلمه رسید، با حضور همسران پیامبر در منزل ام‌سلمه مجلس عزا برپا گشت.^۷ افزون بر آن آمده است:

۱- اصول کافی، کتاب الحجّه، باب ما نصّ الله عزّوجلّ و رسوله علی الائمه واحداً بعد واحد، حدیث اوّل.

۲- همان، باب الاشارة و النصّ علی الحسن بن علی، حدیث اوّل.

۳- همان، باب الاشارة و النصّ علی بنی‌الحسین.

۴- سفینه البحار، حاج شیخ عبّاس قمی، ۴، ۲۳۰.

۵- مدینه المعجز، سید هاشم بحرانی، ۲۴۳، باب ۳، معجزه ۱۴۵.

۶- بحار الأنوار، ۴۵، ۲۳۰.

۷- بحار الأنوار، ۸، ۲۲۹.

پیراهن کبود / ۳۱

«زمانی که خبر شهادت امام حسین علیه السلام به امّسلمه رسید، در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله قبه‌ای^۱ سیاه زد و جامه‌ی سیاه پوشید.»^۲

طبعاً واضح است کسی که از اصحاب سرّ اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌شود و مکرّر در موارد دیگر احکام اسلامی را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جویا می‌شده^۳ و به مسائل شرعی به خوبی واقف بود، سیاه‌پوشی در سوگ شهید را امری مجاز می‌دانسته است؛ و اگر نه، با آن مقام بلند معنوی، اقدام به چنین کاری نمی‌کرد.

۷-۵ سیاه‌پوشی شیعه در عصر امام صادق و امام کاظم علیهم السلام:

سیف‌بن عمیره از اصحاب بزرگ امام صادق و امام کاظم علیهم السلام و از راویان برجسته و مشهور شیعه است.^۴ سیف قصیده‌ای در سوگ سالار شهیدان دارد.^۵ در قسمتی از آن قصیده چنین می‌خوانیم:

يا مؤمناً متشیعاً بولائه
يرجو النّجا و الفوز يوم المحشر
ابك الحسين بلوغةٍ و بعبرةٍ ان لم تجدها ذُب فؤادك و اكثر

۱ - قبه: خیمه مدور گنبدی شکل را گویند.

۲ - عیون الاخبار و فنون الآثار، عمادالدین ادریس قرشی، ۱۰۹.

۳ - الفروع من الکافی، ۵، ۱۱۷، حدیث ۲؛ تهذیب، ۶، ۳۰۵، حدیث ۱۰۲۷.

۴ - رجال‌شناسان بزرگ چون شیخ طوسی، نجاشی، علامه حلی و علامه مجلسی

به وثاقت وی تصریح کرده‌اند.

۵ - المنتخب، طریحی، ۲، ۴۳۶.

و امزج دموعك بالدماء و قل ما في حقه حقاً اذا لم تنصُر
وَ الْبَسْ ثِيَابَ الْحُزْنِ يَوْمَ مُصَابِهِ مَا بَيْنَ أَسْوَدَ حَالِكٍ او اخضر

ای مؤمن شیعه که به برکت دوستی با امام حسین علیه السلام در روز
رستاخیز امید نجات و رستگاری داری، با سوز و آه بر حسین علیه السلام
مویه کن و اگر چشمه‌ی اشکت خشکید، قلبت را - بر آتش اندوه -
ذوب کن و از دیدگان جاری ساز، و گریه را بیشتر کن!
آب دیدگانت را با خون دل در هم آمیز. حقیقتاً چه کم است این کار
در حق او وقتی که یاری‌اش نکرده‌ای!
در روز عاشورا جامه‌های حزن و اندوه بر تن کن؛ جامه‌هایی به رنگ
سیاه تند یا سبز.

از شعر فوق به روشنی برمی‌آید که در عصر امام صادق و امام
کاظم علیهما السلام سیاه‌پوشی در عزای سید الشهداء علیه السلام از نظر شیعیان، امری مجاز
و بلکه پسندیده قلمداد می‌شده است. هم‌چنین معلوم می‌شود که استفاده از
رنگ سبز (به صورت شال، پرچم و...) در کنار رنگ سیاه، در مجالس
عزای اهل بیت علیهم السلام سابقه‌ای کهن داشته و پیشینه‌ی تاریخی این امر به عصر
ائمه علیهم السلام می‌رسد.

۸ - در سوگ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام:

مرحوم علامه مجلسی در کتاب شریف بحار الأنوار^۱ به نقل از شیخ

پیراهن کبود / ۳۳

صدوق^۱ روایتی مبنی بر سیاه‌پوشی شیعیان در شهادت امام کاظم علیه السلام آورده است. این روایت به تفصیل در بخش «تفاوت سیاه‌پوشی عباسیان با شیعیان» از همین کتاب خواهد آمد.

۹- پس از غیبت:

در اشعار و آثار علما و ادبای، پس از غیب امام زمان علیه السلام آثار زیادی می‌توان یافت که اولاً بیان‌کننده‌ی این است که رنگ سیاه، رنگ عزا شناخته می‌شده است و ثانیاً از علما و ادبای بزرگ شیعه تا مردم عادی، سیاه‌پوشی در عزای اهل بیت علیهم السلام را امری جایز و مشروع و بلکه نیکو و پسندیده برمی‌شمرده‌اند.

برای نمونه، در مصیبت نامه‌ی منسوب به علامه مجلسی - که نثری مسجع و زیبا دارد - می‌خوانیم:

از الم مصیبت... سیّد الشهداء... سلطان سریر کربلاء...
قدسیان ملاً اعلی را سر به زانوست از روی اندوه و
غم؛ گروبیان بالا را چین بر ابروست از خون و آلم...
زحل، سیاه‌پوش، غلغله در صوامع ملکوت انداخته و
مشتری، شیون کنان، در عالم جبروت گیسو شکافته...
و خورشید - زرد و ژولیده مو - رنگ از چهره‌اش
پریده... .

۱- کمال‌الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ۱، ۳۸-۳۹؛ عیون أخبار الرضا، شیخ

صدوق، ۱، ۹۹-۱۰۰.

شب از دود آه، لباس سیاه بر تن دوخته، روز از
طپانچه‌ی آفتاب، چهره برافروخته، شام گیسوی
مشکین از غم شکافته، صبح گریبان از آلم پاره
ساخته...

ارغوان خون از دیده روان ساخته، ریحان کسوت
سیاه در بر انداخته، بنفشه سر به زانو نهاده نشسته
غمگین، از گریستن سفید گشته دیده‌ی نسرین،
سوسن گشته سیاه‌پوش، زبان بر قفا، نشسته،
خاموش...

غنچه‌ی زنبق پوشیده کفن، قمری به گردن کرده
رشته‌ی سیاه، بلبل در صحن چمن طوق کشیده ناله و
آه...^۱

علاوه بر این در ترکیب‌بند محشتم و وصال شیرازی و بسیاری
دیگر از ادبا و شعرای عصر غیبت، می‌توان رگه‌هایی از این فرهنگ
دیرینه را ملاحظه کرد.^۲

۱- مصیبت‌نامه‌ی منسوب به علامه مجلسی.

۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور، ۱۴۴.



سیاه‌پوشی بنی‌عبّاس، تمسک به شعار شیعه برای دستیابی به قدرت

شواهد تاریخی- که چند نمونه از آن‌ها را در بخش‌های گذشته آوردیم- به خوبی نشان داد که سیاه‌پوشی در سوگ شهدای اهل‌بیت علیهم‌السلام و به‌ویژه سیدالشهدا علیه‌السلام در طول تاریخ در بین شیعیان سنتی معمول بوده است. اما این شعار دیرینه، مستمر و کوبنده‌ی شیعه، در برهه‌ای گذرا از تاریخ (مانند برخی دیگر شعائر شیعی)، مورد استفاده‌ی یک گروه طالب قدرت قرار می‌گیرد تا با سیاست‌مداری و دورویی به هدف دنیوی خود برسند.^۱

خلفای بنی‌عبّاس هیچ‌گونه ارادتی به اهل‌بیت علیهم‌السلام نداشته و حتی در ظلم به اهل‌بیت علیهم‌السلام و سادات، گوی سبقت را از بنی‌امیه نیز ربودند.^۲ اما برای این‌که در ابتدای امر بتوانند با بنی‌امیه به مبارزه پردازند، به ظاهر پرچم طرفداری از خاندان پیامبر را برآوردند و به خصوص از مردم خراسان- که مهد محبت و تجمّع دوستان اهل‌بیت علیهم‌السلام بود- استفاده‌ی بسیار کردند.^۳

۱- (یاران ابومسلم) پیوسته می‌گفتند: این سیاه‌پوشی، نشانه‌ی عزای آل محمد و شهدای کربلا و زید و یحیی است. تاریخ طبری.

۲- استاد جعفر مرتضی‌عاملی در کتاب زندگانی سیاسی امام رضا علیه‌السلام، ۷۸ - ۸۸ ، بحث جالب و مبسوطی در باب جنایات خلفای نخستین عبّاسی دارند.

۳- برای نمونه: اخبار الدولة العباسیة، ۱۹۸.

مردم خراسان در مصائب اهل بیت علیهم السلام بسیار رقیق‌القلب بودند. آنان به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله - از جمله زید^۱ و یحیی^۲ که به دست بنی‌امیه به شهادت رسیده بودند - ابراز علاقه‌ی فراوان می‌کردند. عباسیان نیز فرصت را غنیمت شمرده، از این احساسات به بهترین شکل استفاده کردند.

«اصولاً چنان‌چه در ریشه و روند تاریخی حرکت عباسیان تأملی به سزا رود، معلوم می‌شود که نوع شعارهای آنان، شعارهایی تقلیدی بوده است که از آل علی علیهم السلام گرفته بودند.»

آنان در ابتدا به بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام و مصایبی که بنی‌امیه به ایشان وارد کرده بودند، پرداختند و سپس بر لزوم قیام علیه امویان و گرفتن انتقام شهدای اهل بیت علیهم السلام تکیه کردند.^۳

بنی‌عبّاس در طول قیام، داعیه‌ی خون‌خواهی شهدای اهل بیت علیهم السلام را داشتند^۴ و زمانی که به قدرت رسیدند، دولت خود را دولت آل محمد صلی الله علیه و آله و ادامه‌ی خلافت علی بن ابی‌طالب علیهم السلام قلمداد کردند.^۵

«به‌طور کلی حرکت بنی‌عبّاس، نوعی ادّعای دروغین «مهدویت» بود

۱- زید: پسر امام سجّاد علیهم السلام.

۲- یحیی: نوه‌ی امام سجّاد علیهم السلام.

۳- مقاتل الطالبيين، ابوالفرج اصفهانی، ۲۳۳؛ تاریخ فخری...، ۲۰۳-۲۰۴.

۴- زندگانی سیاسی امام رضا علیهم السلام، ۵۳-۵۴.

۵- شرح نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ۷، ۱۷۲؛ تاریخ اسلام، دکتر حسین ابراهیم

حسن، ۲، ۴۴۷-۴۴۸.

که بر پایه‌ی تمسک ریاکارانه به برخی از شعائر شیعه و تطبیق با پاره‌ای از اخبار و علائم ظهور بنا شده بود».

چنان‌که آن‌ها رنگ پرچم‌های خویش را سیاه قرار دادند تا خود را مصداق احادیثی بنمایانند که طلایه‌داران قیام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف- را صاحبان پرچم‌های سیاه (رایات سود) از خراسان معرفی می‌کند و نیز پس از تشکیل حکومت، جانشینان سفاح، اولین خلیفه‌ی عباسی، بر خود نام‌های «منصور» و «مهدی» و «هادی» نهادند که همگی از القاب منجی موعود اهل بیت علیهم‌السلام است.^۱

به‌رحال سیاه‌پوشی بنی‌عبّاس و شعار قراردادن این رنگ برای ایشان فقط جنبه‌ی تبلیغاتی داشت و استفاده از شعار تاریخی شیعه بود.

تفاوت سیاه‌پوشی عبّاسیان با شیعیان

گاهی در روایات ائمه علیهم‌السلام مشاهده می‌کنیم که ایشان پوشیدن لباس سیاه را نفی و از آن به عنوان «لباس أهل النار»^۲ یاد کرده‌اند و از طرف دیگر، گاهی خود ایشان نیز از روی تقیه این لباس را پوشیده‌اند.^۳

علل این برخورد، به شکل و نوع آن سیاه‌پوشی خاص-که مخصوص

۱- سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور، ضمیمه‌ی ۵.

۲- الفروع من الکافی، ۶، ۴۴۹، حدیث ۲؛ علل الشرائع، ۲، ۳۴۷.

۳- علل الشرائع، ۲، ۳۴۷.

حکومت ظالم عباسی بود- برمی گردد. ائمه علیهم السلام نیز مخالفت شدیدی با آن رژیم سفاک داشتند و تشبیه به آنان را شدیداً نکوهش می کردند. اما در همان زمان نیز سیاه پوشی شیعیان در ایام عزاء، به شکل متفاوتی از سیاه پوشی عباسیان، رایج بود و این نوع از پوشش سیاه مورد نهی ائمه علیهم السلام نبود. در ادامه، چند نمونه از تفاوت های سیاه پوشی شیعیان و بنی عباس آورده شده است:

۱- متفاوت بودن لباس سیاه عباسیان قبل و بعد از قدرت:

در ابتدای قیام، ابومسلم - که از حامیان بنی عباس بود- با استفاده از احساسات مردم، سیاه پوشی در عزای شهیدان کربلا و زید و یحیی را شعار خویش قرار داد. وی به این وسیله توانست همراهان زیادی در مقابل بنی امیه جمع کند. او در سخنانش دائماً از خون خواهی شهدای مظلوم کربلا و زید و یحیی دم می زد. در چنین شرایطی روشن است که وجهی سیاه پوشی بنی عباس جز اعلام عزای شهدای اهل بیت علیهم السلام، اظهار نفرت از عاملان آن و همراه کردن مردم، چیزی دیگری نبود.

عباسیان پس از به دست گرفتن حکومت و از میان برداشتن حریف سیاسی خود، یعنی بنی امیه، دست به کشتارهای وحشیانه ای زدند تا معترضان و مخالفان خود را از صحنه جامعه محو کنند. برای این کار بسیاری از آل علی علیهم السلام و حتی نزدیکان خود را از دم تیغ گذراندند و نشان دادند که آن اعلام حزن و اندوه در سوگ شهدای آل الله علیهم السلام در حقیقت چیزی جز تمهیدی مزورانه نبوده است!

آن‌ها حتی پس از به قدرت رسیدن و به اصطلاح انتقام گرفتن از قاتلان اهل بیت علیهم‌السلام به جای این که سفید یا سبز - که نشانه‌ی پیروزی و سُرور است، بپوشند - سیاه را شعار و لباس دائم خویش قرار دادند.^۱ بنی‌عبّاس حتی در ظاهر طبیعی و خالص آن سیاه‌پوشی نیز دست بردند و آن را به گونه‌ای سلطنتی آراستند.

۲- تفاوت در شکل سیاه‌پوشی بنی‌عبّاس و شیعیان:

بنی‌عبّاس پس از به قدرت رسیدن، نه تنها لباس سیاه را لباس همیشگی خود کردند؛ بلکه رنگ سیاه را به اشکال مختلف شعار حکومتشان قرار دادند و استعمال رنگ سیاه، به شکل اجباری و فرمایشی درآمد. به عنوان مثال در هنگام ایراد خطبه‌ی نماز جمعه، اشغال به کار قضاوت و ملاقات با خلیفه حتماً باید از لباس سیاه استفاده می‌شد. در غیر این صورت داغ و درفش و قتل و زندان در پی بود.^۲ در ضمن سیاه‌پوشی آن‌ها شکل و صورت خاصی داشت. به عنوان نمونه، در قالب استعمال کلاه دراز مخروطی شکل سیاه رنگ (قَلَنْسُوه) صورت می‌گرفت. بر سر گذاشتن این کلاه در زمان منصور دوانقی -

۱- در حالی که شیعیان تنها در روزهای خاص سال و در ایام وفیات ائمه لباس

سیاه می‌پوشیدند.

۲- تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، آدم متز، ترجمه علیرضا ذکاوتی فرگزلو،

همچون کلاه لبه‌دار عصر رضاخان پهلوی- الزامی بود.^۱

علاوه بر این، هر کس می‌خواست با خلیفه دیدار کند و یا احضار می‌شد، باید جبّه‌ای سیاه که روی لباس‌ها پوشیده می‌شد و به آن «سواد» می‌گفتند، بر تن می‌کرد. هم‌چنین منصور کارگزاران خویش را وادار به پوشیدن دُرّاعه‌ها و جبّه‌های جلوبازی می‌کرد که بر پشت آن‌ها آیه‌ای نوشته شده بود.^۲

گزارش‌های بسیاری حاکی از این است که سیاه‌پوشی، به شکل و نوع خاص، شعار عباسیان شده بود؛ امّا در همان زمان، سیاه‌پوشی شیعه، به صورت عادت و خالص آن نیز، در ایام عزّای رواج داشت. به نمونه‌ی زیر توجّه کنید:

۳- سیاه‌پوشی شیعه در سوگ امام هفتم علیه السلام در زمان حکومت عباسیان:

مرحوم علامه مجلسی در کتاب بحار الأنوار^۳ به نقل از شیخ صدوق^۴ آورده است:

موسی بن جعفر علیه السلام در خانه‌ی سندی بن شاهک درگذشت. پیکر وی را بر تخته‌ی چوبی نهاده و بانگ

۱- تاریخ الخلفاء، سیوطی، ۲۶۲؛ تاریخ الاسلام، ۲، ۴۲۷-۴۲۸.

۲- تاریخ التمدن الاسلامی، جرجی زیدان، ۵، ۷۹.

۳- بحار الأنوار، ۴۸، ۲۲۷.

۴- کمال‌الدین و تمام النعمه، ۱، ۳۸-۳۹؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۱، ۹۹-۱۰۰.

برآوردند: این امام رافضیان است، بشناسید. زمانی که پیکر [مطهر امام] را به مجلس شرطه آوردند، چهار تن برخاستند و ندا در دادند: هر کس می خواهد... موسی بن جعفر را ببیند، بیرون آید.

سلیمان بن ابی جعفر، عموی هارون، از قصر خویش به کنار دجله آمده بود. فریاد و غوغا را که شنید، از فرزندان و غلامان خویش پرسید: این سر و صداها چیست؟ گفتند: سندی بن شاهک است که بر سر نعش موسی بن جعفر علیه السلام جار می زند.

سلیمان به فرزند و غلامانش گفت: او در سمت غرب دجله^۱، نیز چنین خواهد کرد. هنگامی که از دجله گذشت، با غلامانتان نزد آنها روید و پیکر [پاک امام] را از دستشان بگیرید و اگر ندادند، آنها را بزنید و شعارهای سیاهشان را پاره کنید.^۲

زمانی که حاملان پیکر پاک امام علیه السلام از دجله عبور کردند، فرزندان و غلامان سلیمان بن ابی جعفر به سراغ ایشان رفتند، جنازه را از دست آنها گرفتند، کتکشان زدند و شعارهای سیاه آنان را پاره کردند. سپس پیکر امام علیه السلام را در چهارراهی گذاشته و منادیان را واداشتند که فریاد زنند: هر کس طالب شرکت در تشییع پیکر پاک نهاد فرزند طیب پاکان،

۱- همان کاظمی بن فعلی. پی شتر آن جا را مقابر قریش می خواندند.

۲- حَرَّقُوا مَا عَلَيَّهِم مِّنَ السَّوَادِ.

موسی بن جعفر علیه السلام، است بیرون آید.^۱ مردم جمع شدند و پیکر آن حضرت غسل داده شد و با حنوطی فاخر و گران بها خوشبو گشت و با کفنی از بُرد یمانی که تمام قرآن را بر آن نوشته بودند و ۲۵۰۰ سکه‌ی زر سرخ می‌ارزید، پوشانده شد. خود سلیمان نیز پا برهنه شد و در حالی که لباس سیاه پوشیده و گریبان چاک زده بود، به دنبال پیکر به راه افتاد.^۲ بدن مطهر را به مقابر قریش برد و در آن جا به خاک سپرد و گزارش امر را نیز به هارون نوشت. هارون، به علت ندامت از شهید کردن امام علیه السلام، یا به منظور فریب افکار عمومی و تبرئتی خویش، به سلیمان بن-ابی جعفر نوشت:

– عمو جان، صله‌ی رحم به جا آوردی. خدا تو را جزای خیر دهد! به خدا قسم، آن چه را که سندی بن شاهک – لعنه الله – انجام داد، به دستور ما نبود.

نکته‌ی جالب توجه در این ماجرا این است که همان سلیمان بن ابی جعفر که به فرزندان خود دستور می‌دهد: «اگر حاملان پیکر، یعنی آل عباس، از تحویل پیکر امام خودداری کردند، آن‌ها را بزنید و شعارهای سیاهشان را پاره کنید»، خود در تشیع پیکر مطهر امام علیه السلام گریبان چاک می‌کند و سیاه می‌پوشد و این امر نشان می‌دهد که

۱- أَلَا مَنْ ارَادَ الطَّيِّبَ بْنِ الطَّيِّبِ، مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ فَلْيَخْرُجْ.

۲- وَ احْتَفِي وَ مَشِي فِي جَنَازَتِهِ مُتَسَلِّبًا مَشْفُوقًا الْجَبِّبِ إِلَى مَقَابِرِ قُرَيْشٍ.

در همان عصر هم سیاه‌پوشی شیعیان از بنی‌عبّاس متمایز بوده است.
سلیمان در عزای موسی بن جعفر علیه السلام که به صورت پسندیده‌ای (هرچند
نه در شأن امام) انجام شد، این‌گونه عزاداری کرد. نمی‌دانم ما باید در
عزای شهید بی‌کفن کربلا چگونه عزاداری کنیم!؟



سیاه پوشی عرشیان در سوگ سالار شهیدان علیه السلام

- زکریای پیامبر، امیرمؤمنان و حضرت زهرا علیها السلام را در جامه‌ی سیاه

می‌بیند.

علامه مجلسی^۱ به نقل از احتجاج طبرسی^۲ آورده است:

سعدبن عبدالله گوید: از حضرت ولی عصر - عجل الله -
تعالی فرجه الشریف - پرسیدم که تأویل کهیصص^۳
چیست؟ فرمود: این حروف از خبرهای غیبی است که
خداوند بنده‌ی خویش، زکریا را از آن مطلع ساخت و
سپس داستان آن را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باز گفت.
ماجرا چنین بود که زکریا از خدای متعال درخواست
کرد اسامی پنج تن را به وی بیاموزد. جبرئیل فرود
آمد و اسامی مزبور را به او آموخت. هر زمان که زکریا
متذکر نام محمد و علی و فاطمه و حسن علیهم السلام
می‌گردید، غم و اندوهش زایل می‌شد؛ اما زمانی که
نام حسین علیه السلام را می‌برد، گریه راه گلویش را می‌بست
و نفسش به شماره می‌افتاد. یک روز گفت: خداوند
مرا چه می‌شود؟ زمانی که متذکر نام آن چهار تن
می‌شوم، دلم آرام می‌گیرد و غم و اندوه از آن سترده
می‌شود، ولی زمانی که یاد حسین علیه السلام می‌کنم، اشکم

۱- بحار الأنوار، ۵۲، ۸۶.

۲- الاحتجاج، طبرسی، ۲، ۲۷۲-۲۷۳.

۳- مریم (۱۹): ۱.

سرازیر می‌گردد و آه از سینه برمی‌کشم؟!
 خدای متعال وی را از واقعه‌ی امام حسین علیه السلام باخبر
 ساخت و فرمود: کهیعص. «کاف» اسم کربلا است؛ و
 «هاء» هلاکت عترت طاهره؛ و «یاء» یزید که به
 حسین ظلم می‌کند؛ و «عین» عطش و تشنگی او؛ و
 «صاد» صبر آن حضرت است.
 زکریا که این داستان را شنید، سه روز از عبادتگاه
 خویش بیرون نیامد. در این مدت از ملاقات و دیدار
 با خلق دوری جست و به گریه و زاری بر امام
 حسین علیه السلام پرداخت و با این سخنان به مرثیه‌گویی
 پرداخت:

«إِلَهِي! أَتَفَجَّعُ خَيْرَ جَمِيعِ خَلْقِكَ بَوْلَدِهِ؟ إِلَهِي! أَتُنزِلُ
 بَلَوِي هَذِهِ الرَّزِيَّةَ بِنَائِهِ؟ إِلَهِي! أَتُلِيسُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ
 ثِيَابِ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ؟ إِلَهِي! أَتُحِلُّ كُرْبَةَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ
 بِسَاحَتِهِمَا؟»

«خدایا، آیا بهترین فرد از جمیع آفریدگانت (رسول
 اکرم صلی الله علیه و آله) به سوگ فرزند خویش داغدار و
 اندوهگین خواهد شد؟ خدایا، آیا جامه‌های این
 مصیبت را بر پیکر علی و فاطمه خواهی پوشاند؟
 خدایا، آیا اندوه این مصیبت به ساحت آنان وارد
 خواهد شد؟»

سپس زکریا از خدای متعال درخواست کرد که به وی
 فرزندی هم‌سرنوشت حسین علیه السلام عطا کند و خدای نیز

چنین کرد....

روایت فوق به نحوی اشاره به سیاه‌پوشی امیرمؤمنان علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در عزای فرزندشان دارد. البته در تایید این امر، رؤیایا و مکاشفاتی نیز نقل شده که در آنها، معصومین علیهم السلام، به ویژه وجود مقدس صدیقه‌ی طاهره علیها السلام در سوگ پاره‌ی جگرشان، سیاه‌پوش دیده شده‌اند.^۱

رؤیای سکینه فرزند امام حسین علیه السلام

خوابی از سکینه، فرزند امام حسین علیه السلام در ایام اسارت در شام نقل شده است^۲ که براساس آن، وی جدّه‌ی بزرگوار خویش، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را در سوگ امام حسین علیه السلام سیاه‌پوش دیده است. ماجرا را به نقل از مرحوم مجلسی^۳، در زیر می‌آوریم:

سکینه دختر امام حسین علیه السلام به یزید گفت: دیشب خوابی دیده‌ام، اگر می‌شنوی برایت بگویم. یزید گفت: تعریف کن. گفت: دیشب، در حالی که پس از نماز و دعا به درگاه الهی، بیدار مانده و از گریه خسته و رنجور شده بودم، چشمانم را خواب فرا گرفت. در

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور، ۲۴۵.

۲- مقتل الحسین و مصرع اهل بی‌ته ... المشتهر بمقتل ابی‌مخنف، ۲۱۲-۲۱۳؛ نور

العین فی مشهد الحسین علیه السلام، ابواسحاق اسفرای‌نی، ۵۱-۵۲؛ المنتخب، طری‌حی،

۲، ۴۷۹-۴۸۱؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، ۳، ۳۲۷.

۳. بحار الأنوار، مجلسی، ۴۵، ۱۹۴-۱۹۶.

عالم خواب دیدم درهای آسمان گشوده شده است و نوری شدید از آسمان بر زمین می‌تابد. ناگهان خود را همراه یکی از خادمان بهشت در باغی سرسبز دیدم که قصری در میان آن وجود داشت. در این هنگام پنج تن از بزرگان وارد قصر شدند. به خادم بهشتی گفتم: این قصر از آن کیست؟ گفت: این قصر، از آن پدر تو حسین علیه السلام است که خدای متعال به پاس صبر وی به او عطا کرده است. گفتم: این پنج تن کیانند؟ گفت: اولی آدم ابوالبشر، دومی نوح نبی الله، سومی ابراهیم خلیل الرحمن و چهارمی موسی کلیم الله است. گفتم: پنجمی که محاسن خویش را در دست گرفته و گریان و اندوهگین است، کیست؟ گفت: ای سکینه او را نمی‌شناسی؟ گفتم: نه. گفت: این جد تو، رسول الله صلی الله علیه و آله است. گفتم: عزم رفتن به کجا را دارند؟ گفت: می‌خواهند نزد پدرت حسین علیه السلام روند. گفتم: به خدا قسم، نزد جدّم می‌روم و آنچه را بر ما گذشته است، برای او نقل می‌کنم. اما پیامبر صلی الله علیه و آله از من پیشی گرفت و من به او نرسیدم.

در فکر بودم که ناگهان جدّم، علی بن ابی طالب علیه السلام، را دیدم که در دستش شمشیری داشت و ایستاده بود. با صدای بلند او را صدا زدم و به وی گفتم: یا جدّاه! به خدا قسم، پس از تو فرزندان را کشتند. آن حضرت گریست و مرا به سینه چسبانید و گفت: فرزندم، صبر کن که خدا یار و یاور است. سپس آن حضرت نیز گذشت و نفهمیدم که کجا رفت.

متعجب و اندیشمند از این حادثه ایستاده بودم که ناگهان دیدم دری از آسمان گشوده شد و فرشتگان به سوی سر پدرم فرود می‌آیند و بالا می‌روند. زمانی که یزید، داستان این خواب را از سکینه شنید، بر صورت خویش سیلی زد و گریست و گفت: مرا چه به قتل حسین علیه السلام؟

در روایت دیگر آمده که سکینه گفت:

سپس مردی سپیدروی و ماه‌رخسار، اندوهگین به جانب من آمد. به خادم بهشتی گفتم: این کیست؟ گفت: جدّ تو رسول خداست. نزدیک او رفتم و گفتم: یا جدّاه! به خدا قسم، مردان ما را کشتند؛ خون‌های ما را ریختند؛ حرمت ما را شکستند و ما را بر شتران بی‌پالان سوار کردند و نزد یزید بردند. آن حضرت مرا گرفت و به سینه چسبانیید. سپس آدم و نوح و ابراهیم و موسی علیهم السلام نزد من آمدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: نمی‌بینید امت من پس از من با فرزندانم چه کردند؟! آن‌گاه خادم بهشتی گفت: ای سکینه، دیگر سخن نگو که رسول خدا صلی الله علیه و آله را به گریه انداختی.

سپس خادم بهشتی دستم را گرفت و داخل قصر برد. آن‌جا ناگهان با پنج بانوی بزرگ و نورانی روبرو شدم که در میان آنان بانویی بزرگوار به چشم می‌خورد که موی پریشان کرده، لباس‌های سیاه پوشیده و در دستش پیراهنی خون‌آلود گرفته بود. زمانی که برمی‌خاست، آنان با او برمی‌خاستند و زمانی که می‌

نشست، آنان نیز با او می‌نشستند. به خادم گفتم: این بانوان بزرگوار کیستند؟ گفت: این حوّا، امّ البشر، است. این مریم، دختر عمران، این خدیجه، بنت خویلد، این هاجر، این ساره و این که پیراهن خون-آلود در دست دارد و زمانی که می‌نشیند یا برمی‌خیزد آن دیگران با او می‌نشینند و برمی‌خیزند، جدّ تو، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است.

سکینه گفت: من نزد آن بانوی بزرگوار رفتم و گفتم: ای جدّه‌ی من، به خدا قسم، پدرم کشته شد و من در کودکی یتیم گشتم. آن حضرت مرا به سینه چسبانید و به سختی گریه کرد. بانوان دیگر با وی گریستند و به او گفتند: ای فاطمه، خداوند بین تو و یزید در روز بازپسین داوری خواهد کرد....



غدیر و نهم ربیع الاوّل، روز کندن جامه‌های سیاه

سید بن طاووس^۱، علامه مجلسی^۲ و محدّث نوری^۳ در باب فضیلت روز نهم ربیع روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند:

روز نهم ربیع الاوّل، به پاس ارج بسیاری که نزد خدای متعال، رسول گرامی اسلام و جانشینان بر حق ایشان دارد، دارای هفتاد اسم (هم‌چون یوم الاستراحة، یوم تنفیس الکربة، یوم الغدیر الثانی، یوم ندامة الظالم و...) و یکی از اسامی این روز، «یوم نزع السّواد» یعنی روز کندن و بیرون آوردن لباس‌های مشکی است.

می‌دانیم که روز نهم ربیع الاوّل، سالگرد آغاز امامت حضرت ولیّ عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌باشد. هم‌چنین بنا بر پاره‌ای از

۱- علامه مجلسی به نقل از زوائد الفوائد سید بن طاووس آورده‌اند.

۲- بحار الأنوار، ۹۸، ۳۵۴؛ زاد المعاد، ۳۳۰.

۳- مستدرک الوسائل، ۳، ۳۲۶-۳۲۷.

نقل‌های تاریخی، روز قتل برخی از دشمنان شاخص اهل بیت علیهم‌السلام است. در ماه ربیع‌الأول بسیاری از رویدادهای دیگری نیز وجود دارد.^۱

عنوان «روز کندن جامه‌های سیاه» در روز عید، اشاره دارد به تناسب پوشیدن لباس سیاه با ایام عزای؛ چرا که قبل از این روز ایام شهادت امام عسکری علیه‌السلام و عزای ماه محرم و صفر است. در نتیجه با ورود به ایام شادی اهل بیت علیهم‌السلام باید این تناسب را رعایت کرد و لباس‌های سیاه را به‌درآورد.

مرحوم سیدبن طاووس^۲ مشابه تعبیر فوق را برای بزرگ‌ترین عید مسلمانان، یعنی عید سعید غدیر خم آورده است. امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند:

«روز قیامت، چهار روز از روزهای سال را، چونان عروسی که به حجله برند، به محضر ربوبی خواهند برد.»

سؤال شد: این چهار روز کدام روزهای سالند؟ حضرت فرمودند:

«روز عید قربان، روز عید فطر، روز جمعه، و روز عید غدیر؛ و روز عید غدیر در میان این روزها، حکم ماه در میان ستارگان را دارد. غدیر همان روزی است که

۱- از جمله این رویدادها: ازدواج پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت خدیجه علیها‌السلام، ازدواج

امیرمؤمنان و حضرت زهرا علیها‌السلام، مرگ یزید، میلاد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام صادق ...

۲- اقبال، سیدبن طاووس، بخش مربوط به روز هجده ذی‌الحجه.

خدای متعال حضرت ابراهیم را از آتش نمرود خلاصی
بخشید و وی نیز به شکرانه‌ی این نعمت روزه گرفت...

روز عید غدیر، روز برطرف شدن غم‌ها و آمرزش
گناهان

است... و روز پوشیدن لباس‌ها (ی شادی) و کندن
لباس‌های سیاه... و روز عید خاندان پیامبر ﷺ
است...

نتیجه‌ی دیگری که می‌توان از تعبیر «روز کندن جامه‌های سیاه»
گرفت، این است که سنت پوشیدن لباس سیاه در میان شیعیان رایج
بوده و آنان در میان لباس‌های خود، لباس سیاه نیز داشته‌اند. در غیر این
صورت، توصیه به کندن جامه‌های سیاه، سخن بیهوده‌ای بود.



نظرات و سیره‌ی علما در باب سیاه‌پوشی در سوگ اهل بیت علیهم‌السلام

جمع کثیری از علما، مراجع تقلید و فقهای بزرگ شیعه، پوشیدن لباس سیاه در عزای سید الشهداء علیه‌السلام و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام را نه تنها مباح، بلکه مستحب شمرده‌اند. ایشان در بسیاری از موارد، خود نیز به این سیره عمل کرده‌اند و هم اکنون نیز عمل می‌کنند.

فقهای درگذشته:

۱. سیف‌بن عمیره، از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهم‌السلام و از فقهای شیعه در عصر آن بزرگواران.^۱
۲. علامه رضی‌الدین سیدبن طاووس (متوفی ۶۶۴ ق).^۲
۳. آیت الله شیخ لطف الله میسی عاملی (متوفی ۱۰۳۲ ق).^۳

۱- وی در قضی‌ده‌ای که در سوگ سیدالشهدا سروده است (المنتخب، ۲، ۴۳۳-۴۳۷) می‌گوید:

و البس ثياب الحزن يوم مصابه
ما بین السود حالک أو أخضر

۲- المحجه لثمره المهجه، فصل ۹۲، ص ۸۲.

۳- ایشان از فقهای متبحر عصر صفوی و از معتمدان شیخ بهایی بوده‌اند. گفتنی است که مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان به نام اوست. (ادب الطّف، سید جواد شیر، ۹، ۳۴۸)

۴. علامه شیخ فخرالدین طریحی (متوفی ۱۰۸۵ ق).^۱
۵. مرجع بزرگوار، شیخ یوسف بحرانی (متوفی ۱۱۸۶ ق).^۲
۶. آیت الله سید محمد جواد عاملی (متوفی ۱۲۲۶ ق).^۳
۷. علامه شیخ خضر عفاوی (متوفی ۱۲۵۵ ق).^۴
۸. آخوند ملا آقا شیروانی، مشهور به فاضل دربندی (متوفی ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۶ ق).^۵
۹. علامه شیخ محمدحسین کاظمینی (متوفی ۱۳۰۸ ق).^۶
۱۰. مرجع عالی قدر، شیخ زین العابدین مازندرانی حائری (متوفی ۱۳۰۹ ق).^۷
۱۱. مرجع عالی قدر، میرزای شیرازی اول (متوفی ۱۳۱۲ ق).^۸
۱۲. علامه میرزا ابوالفضل تهرانی (متوفی ۱۳۱۷ ق).^۹
۱۳. علامه محدث نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق).^{۱۰}

-
- ۱- المنتخب، ۲، ۴۸۸.
 - ۲- الحدائق، ۷، ۱۱۸.
 - ۳- ادب الطّف، سید جواد شیر، ۶، ۱۷۱.
 - ۴- ابواب الجنان، قسمت چهارم، فصل ششم.
 - ۵- اسرار الشّهادة، ۶۰.
 - ۶- هدایة الامام فی شرح شرایع الاسلام، ۴۵۴.
 - ۷- رساله ذخیرة المعاد، ۵۳۹.
 - ۸- ای شان در حاشیه رساله «ذخیرة المعاد» فتوای مرحوم شیخ زی-ن-العابدین مازندرانی را امضا کرده اند.
 - ۹- شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور/ ۳۲۴.
 - ۱۰- مستدرک الوسائل ۳/ ۳۲۸.

۱۴. علامه حاج سید اسماعیل عقیلی نوری (متوفی ۱۳۲۱ ق.)^۱.
۱۵. علامه سید محمدجعفر طباطبایی حائری (متوفی ۱۳۲۱ ق.)^۲.
۱۶. شمس‌العلماء، علامه بحرالعلوم (متوفی ۱۳۲۵ ق.)^۳.
۱۷. مرجع عالی قدر، حاج شیخ محمدعلی غروی نخجوانی (متوفی ۱۳۲۴ ق.)^۴.
۱۸. مرجع عالی قدر، آقا سید محمدکاظم یزدی، صاحب عروه (متوفی ۱۳۲۷ ق.)^۵.
۱۹. مرجع عالی قدر، آقا سید اسماعیل صدر (متوفی ۱۳۳۸ ق.)^۶.
۲۰. مرجع عالی قدر، میرزا محمدتقی شیرازی حائری، معروف به میرزای شیرازی دوم (متوفی ۱۳۳۸ ق.)^۷.

-
- ۱- وسیلة المعاد فی شرح نجات العباد، ۲، ۱۷۰.
- ۲- ارشاد العباد الی استحباب لبس السواد علی سیدالشهدا و الائمة الاجماد علیهم السلام.
- ۳- تکملة نجوم السماء فی احوال العلماء، می‌رزا محمد مهدی لکهنوی کشمیری، با مقدمه‌ی آی‌ت‌الله مرعشی نجفی، ۲، ۲۴۸-۲۵۰.
- ۴- در کتاب: الدعاء الحسینی.
- ۵- رساله‌ی منهج الرشاد، حاج شیخ جعفر شوشتری، ۱۲؛ متن استفتاء از ایشان در کتاب «سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور»، ۲۱۶.
- ۶- ایشان فتوای مرحوم حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی در رساله‌ی ذخیره المعاد را تأیید کرده‌اند.
- ۷- در حاشیه‌ی بر رساله‌ی ذخیره المعاد، ایشان خود نیز در ای‌سام محرم و صفر و فاطمیّه مشکمی می‌پوشیدند. به نقل از کتاب «نجات الائمّه فی اقامة الغزاء علی الحسین و الائمه علیهم السلام»، ۹۶، نوشته‌ی حاج سید محمدرضا حسینی حائری.

۲۱. آیت الله حاج میرزا محمد ارباب قمی (متوفی ۱۳۴۱ ق).^۱
۲۲. علامه حاج شیخ عبدالله مامقانی (متوفی ۱۳۵۱ ق).^۲
۲۳. آیت الله سید حسن صدر (متوفی ۱۳۵۴ ق).^۳
۲۴. مرجع عالی قدر، آقا سید ابوالحسین موسوی اصفهانی (متوفی ۱۳۶۵ ق).^۴
۲۵. مرجع عالی قدر، حاج آقا حسین طباطبائی قمی (متوفی ۱۳۶۶ ق).^۵
۲۶. علامه شیخ جعفری نقدی (متوفی ۱۳۷۰ ق).^۶
۲۷. آیت الله میرزا مهدی حسینی شیرازی (متوفی ۱۳۸۰ ق).^۷
۲۸. مرجع عالی قدر، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (متوفی ۱۳۸۲ ق).

-
- ۱- اربعین حسینی یا چهل حدیث حسینی، حاج میرزا محمد ارباب، ۲۶.
- ۲- در رساله‌ی مجمع الدرر فی مسائل اثنتی عشر.
- ۳- در تبیین الرشد فی استحباب لبس السواد علی محمد و آل الامجاد علیهم السلام.
- ۴- آیت الله حاج سید محمد علی علوی گرگانی از قول مرحوم پدرشان، آیت الله حاج سید سجاد علوی، نقل کردند که مرحوم اصفهانی در تمام عزاها عبا و قبا می پوشیدند و به همین سیره هم، مرحوم سید سجاد سیاه می پوشیده‌اند و اکنون نیز آیت الله علوی، چنین می‌کنند. سیاه پوشی در سوگ ائمه‌ی نور، ۲۲۸.
- ۵- مرحوم قمی، بنا به نقل فرزندشان، آیت الله حاج آقا تقی قمی، در طول محرم و صفر و نیز ایام فاطمی، لباس سیاه می پوشیدند. سیاه پوشی در سوگ ائمه‌ی نور، ۲۲۸.
- ۶- ادب الطّف، سید جواد شبّر، ۱۰، ۷.
- ۷- نجات الامّه، ۹۶.

ق.۱.

۲۹. مرجع عالی قدر، آقا میرزا عبدالهادی شیرازی (متوفی ۱۳۸۲ ق).^۲

۳۰. مرجع عالی قدر، آقا سید محسن طباطبایی حکیم (متوفی ۱۳۹۰ ق).^۳

۳۱. آیت الله حاج شیخ یوسف بیارجمندی شاهرودی (متوفی ۱۳۹۷ ق).^۴

۳۲. آیت الله سید محمدباقر صدر (متوفی ۱۴۰۰ ق).^۵

۳۳. آیت الله شیخ مجتبی لنگرانی (متوفی ۱۴۰۶ ق).^۶

۳۴. مرجع عالی قدر، سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی (متوفی

۱۴۱۱ ق).^۶

۳۵. مرجع عالی قدر، حاج سید ابوالقاسم موسوی خوئی (متوفی ۱۴۱۳

ق).^۷

۱ - در حاشیای عروه.

۲ - نقل از حجّة الاسلام میرزا غلامرضا عرفانیان. سیاه پوشی در سوگ ائمه‌ی

نور، ۲۲۹.

۳ - نقل از آیت الله شیخ محیی الدین مامقانی. همان.

۴ - مؤلف نجات الامّة شخصاً شاهد سیاه پوشی ایشان در محرم و صفر و ایّام

فاطمیّه بوده است، ص ۹۶.

۵ - نقل از حجّة الاسلام عرفانیان.

۶ - در وصیت نامهی مشهور ایشان.

۷ - نجات الامّة، ۹۶، ایشان خود در شهادت ائمه علیهم السلام خصوصاً محرم و صفر

علاوه بر پیراهن مشکی عبا و قبای مشکی نیز می پوشیدند.

۳۶. مرجع عالی قدر، حاج سید محمدرضا گلپایگانی (متوفی ۱۴۱۴ ق).^۱

۳۷. مرجع عالی قدر، میرزا جواد آقا تبریزی (متوفی ۱۴۲۷ ق).^۲

۳۸. مرجع عالی قدر، شیخ محمد فاضل لنکرانی (متوفی ۱۴۲۸ ق).^۳

-
- ۱- متن استفتای ایشان در آخر همین کتاب خواهد آمد، ایشان خود نیز در وفیات ائمه علیهم السلام سیاه می پوشیدند.
- ۲- ایشان رساله‌ای به نام «سواد» در باب سیاه پوشی دارند. خود آن مرحوم در سال‌های اخیر در ایام فاطمیّه لباس سیاه پوشیده و با پای برهنه در عزای این بانو شرکت می کردند.
- ۳- در استفتائی که نویسنده از دفتر معظمّ له داشته است چنین می فرماید:
پوشیدن لباس‌های سیاه به استثناء عبا و عمامه، در غیر عزاداری کراهت دارد
ولکن در عزاداری سیدالشهدا و ائمه علیهم السلام اشکال ندارد.

استفتاء از دفتر مراجع در قید حیات (به ترتیب حروف الفبا)

جالب توجه است که با وجود بعضی روایات که سیاه‌پوشی را نهی می‌کنند؛ نه تنها تمامی مراجع، سیاه‌پوشی در عزای ائمه علیهم‌السلام را جایز دانسته‌اند؛ بلکه اغلب در حالت غیر عزا نیز در کراهت لباس سیاه تشکیک کرده‌اند.^۱

متن استفتاء:

با سلام، می‌خواستم از حضرت عالی بپرسم که پوشیدن لباس سیاه، سوای عبا و عمامه در سوگ سیدالشهدا علیه‌السلام و سایر معصومین علیهم‌السلام چه حکمی دارد؟

در غیر این موارد و در حالت غیر عزاداری چه؟

۱- مرجع عالی‌قدر، آیت الله سید علی حسینی سیستانی:

کراهت آن ثابت نیست.

۲- مرجع عالی‌قدر، آیت الله سید محمد حسینی شاهرودی:

در غیر موارد مذکور پوشیدن لباس سیاه کراهت

۱- البته این بحث، بحثی کاملاً فقهی است که تخصص همین بزرگواران است.

دارد.

۳- مرجع عالی قدر، آیت الله سید محمدصادق حسینی روحانی:

پوشیدن لباس سیاه در سوگ سیدالشهدا و سایر معصومین علیهم السلام از شعائر بسیار پسندیده و در حالت غیر عزاداری، به نظر من جائز و حتی کراهت هم ندارد.

۴- رهبر انقلاب، آیت الله سید علی خامنه‌ای:

پوشیدن لباس مشکی در ایام عزاداری خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به منظور تعظیم شعائر الهی و اظهار حزن و اندوه موجب ترتب ثواب الهی است. در هر صورت کراهت پوشیدن لباس سیاه در غیر نماز ثابت نیست.

۵- مرجع عالی قدر، آیت الله سید صادق شیرازی:

پوشیدن لباس سیاه، در سوگ اهل بیت و خاصه سیدالشهدا صلوات الله وسلامه علیه مستحب است و ثواب دارد و در غیر آن، مکروه است.

۶- مرجع عالی قدر، آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی:

پوشیدن لباس مشکی در عزاداری اهل بیت علیهم السلام خصوص سیدالشهدا علیه السلام مطلوب است و چون عزایش، تعظیم آن بزرگوار است، می توان گفت: در حال حاضر از شعائر مذهبی است.

۷- مرجع عالی‌قدر، آیت الله سید محمد سعید طباطبایی حکیم:

پوشیدن لباس سیاه، به جز عبا و عمامه، در غیر سوگ حضرات معصومین علیهم‌السلام و مصائب دین مکروه است.

۸- مرجع عالی‌قدر، آیت الله ناصر مکارم شیرازی:

به عنوان تعظیم شعائر در عزاداری‌های معصومین علیهم‌السلام کار خوبی است؛ ولی در غیر آن مکروه است.

۹- مرجع عالی‌قدر، آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی:

پوشیدن لباس سیاه در روزهای سوگ و عزاداری معصومین علیهم‌السلام و بالاخص در سوگ حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام به عنوان شعائر عزاداری اشکال ندارد؛ ولی پوشیدن لباس سیاه در سایر روزها مکروه است و عمامه و عبا استثنا شده است.

۱۰- مرجع عالی‌قدر، آیت الله حاج شیخ حسین وحید خراسانی:

پوشیدن لباس سیاه برای عزای ائمه علیهم‌السلام تعظیم شعائر است و پوشیدن لباس سیاه در نماز مکروه است.



کلام آخر

نسبت داشتن مخالفین سیاه‌پوشی با وهابیت

اگر سیری در تاریخ داشته باشیم، می‌بینیم که هرگاه جاهلان و متعصبان از مخالفین تشیع حضور نداشته‌اند، اهل تسنن در کنار شیعیان برای خاندان پیامبر ﷺ به عزاداری پرداخته و حتی گاهی به مقتل‌نویسی و مرثیه‌سرایی و ... مشغول می‌شده‌اند.^۱

اما همواره فرقه‌های متعصب و جاهل به مخالفت با تشیع برخاسته و عزاداری را بدعت و ... معرفی کرده‌اند. امروزه هم این فرقه‌ها برای ایجاد تفرقه به تکفیر شیعیان دست می‌زنند و اعمال شیعه را بدعت می‌شمارند.

در سال‌های اخیر از محضر مرجع عالی‌قدر، آیت الله حاج سید محمد رضا گلپایگانی (متوفی ۱۴۱۴ق) استفتایی در باب حکم شرعی سیاه‌پوشی در سوگ ائمه علیهم‌السلام انجام شد که ایشان در جواب آن تصریح کرده‌اند:

۱- سنت عزاداری و منقبت‌خوانی در تارخ شیعه‌ی امامی‌ه، مقاله‌ی

دکتر علی‌اکبر ولایتی.

«سیاه‌پوشی در عزای سالار شهیدان سیره‌ی
مستمّر‌ی شیعه در طول تاریخ بوده و امری مجاز و
مستحسن است؛ و حتّی مخالفت با این شعار را - در
عصر حاضر - به وهابی‌مآبان منسوب داشته‌اند.»^۱

همان‌طور که بسیاری شاهد هستند، ایشان خود نیز در ایام شهادت
ائمّه علیهم‌السلام لباس سیاه می‌پوشیدند.

دفاع از شعائر شیعه در هجمه‌ی دشمن

همان‌طور که در سال‌های پیش، این عالم بزرگ اشاره به نسبت داشتن
مخالفان شعائر حسینی با وهابیت داشته‌اند؛ می‌توان به وضوح مشاهده
کرد که دشمنان در سال‌های اخیر با استفاده از واژگان زیبا و ادبیاتی
جدید به مبارزه با این شعائر پرداخته‌اند. آن‌ها شعائر تشیّع را که در
سالیان متمادی و حتّی در عصر ائمّه علیهم‌السلام نیز رواج داشته،^۲ مورد تمسخر
قرار می‌دهند. شعائری که نه تنها همه‌ی علمای شیعه، بلکه برخی از
علمای اهل تسنّن نیز تأییدشان کرده‌اند^۳ را، با واژگان بدعت، تحریف،
خرافه و... مورد هجمه قرار می‌دهند.

۱- سیاه‌پوشی در سوگ ائمّه‌ی نور، ۲۲۰.

۲- سنّت عزاداری و منقبت‌خوانی در تباری‌خ شیعه‌ی امامی، مقاله‌ی

دکتر علی‌اکبر ولایتی.

همان‌طور که از تاریخ برمی‌آید از بین بردن بال سرخ شیعه و
نهضت حسینی از آرزوها و اهداف دیرینه‌ی دشمنان تشیع است.
پس ما با اولین قدم که به تن کردن «پیراهن کبود» است، به انتظار
خورشید می‌نشینیم.





www.karbobala.com

آسمان بدون خورشید تاریک است؛

اگر چه پر از ستاره باشد.

دل های آسمانی شیعیان هم در فقدان

خورشید سیاه پوش است...

تا او بیاید...

و

می آید.

کاری از گروه فرهنگی - هنری زیتون

karbobala.com

زیتون
گروه فرهنگی هنری

